

وجوه تشابه جنگ‌شناختی در قیام عاشورا و انقلاب اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی اصغر نصرتی*

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نصرتی**

اشاره

انقلاب اسلامی ایران به باور و تصدیق بنیان‌گذار و رهبر آن، در امتداد قیام عاشورا و با همان اهداف و آرمان‌ها در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی دست یافت. از آن زمان تا کنون از طرف دشمنان داخلی و بیرونی به‌ویژه استکبار جهانی با محوریت آمریکا، صهیونیسم بین‌الملل و نظام‌های پیرو آنان در غرب و شرق عالم و حتی جهان اسلام، زیر سخت‌ترین انواع جنگ‌ها قرار داشته است؛ با این وجود با پایداری و مقاومت نه تنها خود را تثبیت کرده است، بلکه تمدن غرب و نظام‌های استکباری را به چالش کشیده است. بنابراین روح انقلاب، استکبارستیزی و معنویت‌گرایی ناشی از آن افزون بر منطقه غرب آسیا، در سرتاسر عالم گسترش یافته است و تمدن نوین اسلامی را هدف‌گذاری کرده است. امروزه دشمنان انقلاب اسلامی از تهاجم سخت به نظام اسلامی ناامید شده‌اند و با اتخاذ شیوه‌های نرم به‌ویژه جنگ‌شناختی در پی مقابله با انقلاب اسلامی برآمده‌اند. این نوشتار دشمنی و جنگ‌شناختی دشمنان علیه انقلاب اسلامی و قیام عاشورا را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد جنگ‌شناختی در این دو پدیده از دیدگاه‌های مختلف با هم شباهت دارند.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم.

۱. مفاهیم و گزاره‌های بنیادی

۱-۱. تعریف جنگ‌شناختی و ابزارهای آن

جنگ‌شناختی به استفاده از تکنیک‌ها و فناوری‌های مختلف برای تأثیرگذاری، دست‌کاری یا مختل کردن شناخت افراد یا گروه‌ها به منظور دستیابی به یک نتیجه دلخواه اشاره دارد. در جنگ‌شناختی، ذهن انسان در جایگاه میدان اصلی جنگ هدف قرار می‌گیرد.^۱ گرچه این اصطلاح و مفهوم آن، نوظهور است، به لحاظ ماهیت پدیده جدیدی نیست و در عمق تاریخ نیز می‌توان نمودهای آن را به‌روشنی نشان داد.

تغییر در ساختار قدرت و حکومت معمولاً به شکل‌های مختلفی رخ می‌دهد که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان این‌گونه به آن اشاره کرد:

الف) اشکال سخت: در آن میزان قابل توجهی از خشونت اتفاق می‌افتد، مانند کودتا، شورش، انقلاب، تهاجم نظامی و جنگ داخلی؛

ب) اشکال نرم: در حد امکان برای ایجاد تغییر از روش‌ها و ابزار نرم بهره می‌گیرند و به جای خشونت بر روش‌های مسالمت‌آمیز تکیه دارند، مانند اصلاحات، جنبش اجتماعی، انقلاب رنگی، انقلاب مخملی و روش‌های مختلف جنگ نرم.

جنگ نرم در پی ازپای‌درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند.^۲ جنگ نرم با شیوه‌های مختلفی تحقق پیدا می‌کند که یکی از روش‌های پیچیده و کمتر محسوس برای قشر هدف، عبارت است از «جنگ شناختی» که از آن با عملیات ادراکی نیز یاد می‌شود و به دنبال تأثیرگذاری بر نگرش‌ها باورها، عقاید و ارزش‌های طرف مقابل با هدف ایجاد تغییر تا سرحد همسوس شدن آنان با اهداف و منافع عمل‌کننده است.^۳ جنگ‌شناختی مؤثرترین و اثرگذارترین جنگ نرم است که هدف نهایی آن همانند جنگ سخت، ازپای‌درآوردن حریف است که با حمله به تفکر آدم‌ها، اعتماد جامعه به حاکمیت را از بین می‌برد و نیروهای

1. <https://www.linkedin.com/pulse/cognitive-warfare-democracy-critical-analysis-ethical-holitschke-dleue>

۲. مهسا ماه پیشانی، «جنگ نرم در فضای رسانه و سایبر»، ص ۲۷.

۳. علی علیخانی، «امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، ص ۱۱۴.

اجتماعی و سرمایه‌های انسانی را نابود می‌کند. با توجه به اینکه در این جنگ دشمن در پی تحت تأثیر قراردادن اندیشه افراد جامعه است، در خارج چیزی به نام جنگ محسوس نیست؛ از این‌رو همانند حشره‌ای است که ساختار چوب را از داخل از بین می‌برد و به همین دلیل «جنگ موربانه‌ای» نیز به آن می‌گویند. از ابزارهای مهم جنگ‌شناختی، تسلط بر شاهراه‌ها و جریان اطلاعات جامعه است؛ چون پایه اصلی اندیشه، اطلاعات است که به صورت ضمنی و با چینش اخبار و اطلاعات، تحلیل خاص نیز به ذهن مخاطب و دستگاه تحلیلی او القا می‌شود. شیوهٔ مقابله با آن نیز سکوت یا تلاش برای بستن کانال‌های اطلاع‌رسانی دشمن نیست، بلکه روشنگری و اقناع مخاطب با تبیین جهادگرانه است.

۲-۱. انقلاب اسلامی تداوم قیام عاشورا

امام خمینی علیه السلام در جایگاه معمار انقلاب اسلامی همواره بر این باور تأکید می‌فرمود: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن بوده است»؛^۱ زیرا همان‌طور که هدف قیام امام حسین علیه السلام احیای اسلام بود، انقلاب اسلامی نیز اسلام را در قرن چهاردهم از نابودی رهانید و حیات دوباره بخشید؛ در واقع مهم این است که جنس انقلاب اسلامی و قیام عاشورا یکی است. انقلاب اسلامی نهضتی با نسبت تأثیر کوتاه‌مدت و معطوف به جابجایی قدرت و حاکمان یا اصلاح ساختارها و نظام معیشت مردم نبود، بلکه همانند قیام عاشورا و در ادامه همان مسیر، تغییر جهت تاریخی و تحول بنیادین در جامعه، حکومت و بنای تمدنی را هدف قرار داده است؛ از این‌رو در اوج سلطه مادی‌گرایی با دو قطب پر قدرت لیبرالیسم و سوسیالیسم بر دنیا، ظهور انقلاب اسلامی مسیر تاریخ این دوران را تغییر داد و موجب گسترش توجه به تشیع، اسلام، ادیان توحیدی و حرکت‌های ضد استکباری در دنیا شد. این تأثیر تاریخی و کلان، تابعی از تأثیر عاشورا بر کفر مسلط بنی‌امیه است که در اندک‌زمانی پس از عاشورا، کاخ ستم بنی‌امیه را ویران کرد و مسیر تاریخ را به سمت پیروزی نهایی حق بر باطل تغییر داد.

۳-۱. جریان کفر و استکبار جهانی، تداوم جریان باطل بنی‌امیه

انقلاب اسلامی ایران تنها به دنبال جابجایی قدرت نظام شاهنشاهی مستبد و ابسته و دین‌ستیز پهلوی نبود، بلکه آرمان‌ها و اهداف آن همان‌طور که در قانون اساسی و بیانات رهبر کبیر انقلاب

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۳.

اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی متبلور است، بر اساس اسلام ناب و مقابله با ظلم و بی‌عدالتی در هر سطح و مقیاس در جهان عنوان شده است. امام خمینی علیه‌السلام می‌فرماید: «سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آن عنایت فرموده است نمی‌رسند».^۱ همان‌طور که آن روز جریان استکباری بنی‌امیه، اسلام راستین را مانع دستیابی به منافع دنیایی و قدرت و ثروت خود می‌دید، با انقلاب اسلامی نیز احساس خطر جدی در اردوگاه استکبار جهانی به‌ویژه صهیونیسم پدیدار شد؛ زیرا انقلاب هرگونه سلطه‌نامشروع و استکبار را در هر سطحی نفی می‌کرد و با تکیه بر ارزش‌های دینی به‌ویژه تحت تأثیر قیام عاشورا شیوه عمل و اهداف انقلاب را ترسیم می‌کرد و انقلابی بود به نام خدا، عدالت‌خواهانه، اخلاقی، مقدس، شهادت‌طلبانه و مستقل از اردوگاه‌های لیبرالیسم و سوسیالیسم؛ همچنین انقلابی که در یک برآورد و نتیجه‌گیری تاریخی، رژیم مستبد و وابسته و فاسد پهلوی را با حامیان غربی او در یک تصویر، نظام استکباری و در تداوم جریان باطلی مانند بنی‌امیه می‌دید که امام حسین علیه‌السلام در برابر آن قیام کرده بود.

۲. وجوه مشابهت جنگ‌شناختی بنی‌امیه و استکبار جهانی

مشابهت‌های جنگ‌شناختی را می‌توان در ابعاد ذیل بررسی کرد:

۲-۱. تغییر نگرش‌ها و باورها

یکی از محورهای مهم جنگ‌شناختی، تغییر باورها و نگرش‌های اجتماعی به حقایق، وقایع و امور است؛ مثلاً رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تلاش زیادی کردند تا مطابق آموزه‌های دینی، هویت‌های جاهلی که مبتنی بر تعصب قومی و قبیله‌ای بود را تغییر دهد؛ همچنین دخالت معیارهای سفید و سیاه، قومی و قبیله‌ای را در برتری‌جویی اجتماعی از بین برد و تقوا را معیار تقرب و فضیلت انسان‌ها قرار دهند؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^۲ و چنین هم

۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۴.

۲. الحجرات: ۱۳.

شد. اما با قدرت یافتن بنی‌امیه، ارزش‌های جاهلی و تعصب قومی و نژادی و برتری عرب بر عجم ضربه سنگینی بر جامعه اسلامی وارد کرد. چنانچه:

امویان نسبت به خاندان و طرفدارانشان تعصب می‌ورزیدند و عناصر غیر عرب را، ولو اینکه همدست و هم‌داستان آنان بودند، تحقیر می‌کردند و برخی از عربان نیز در تحقیر دیگران از امویان پیروی می‌نمودند. نژادگرایان اموی و پیروانشان، در تحقیر غیر عرب و کم‌بهادادن به آنها، بر خلاف شرع و سنت و سیره پیامبر اسلام عمل می‌کردند. نقل شده است پیش از آنکه عباسیان به قدرت برسند، هرگاه عربی در بازار به یک غیرعرب برخورد می‌کرد و باری با خود داشت، آن بار را به آن شخص می‌داد تا حمل کند؛ درحالی‌که غیرعرب قدرت مخالفت نداشت.^۱

از جمله تغییر باورها، جایگاه و موقعیت ائمه بین امت اسلامی است که بنی‌امیه با اقدام‌ها و تبلیغات خود، این منصب را در عالم واقع و جامعه اسلامی از ائمه سلب کردند؛ همچنین آن را به یک مقام سیاسی همچون پادشاهی تقلیل دادند.

عبارت "لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَ أَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ" در زیارت عاشورا که خدا لعنت می‌کند کسانی که مقام امامت و ولایت را پایین می‌آورند، اشاره به این موضوع دارد. این موضوع در عصر حاضر نیز مصداق عینی دارد و دشمن با هدف تغییر افکار عمومی و نگرش‌های مردم با استفاده از روزنامه‌ها، سایت‌ها، فضای مجازی و حقیقی سعی در حذف مقام ولایت در جامعه اسلامی و همچنین تخریب انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن دارد.^۲

حرکتی که در دوران پهلوی، برای تضعیف هویت اسلامی جامعه ایرانی شکل گرفته بود هم از این مقوله است و آنها به دنبال ترکیب هویت جدیدی برای ایران بودند که در کنار رواج مظاهر تجدد و مدرنیته غربی، ایجاد هویت باستان‌گرایی ایرانی در نهادهایی مثل دفتر فرح پهلوی و توسط شخصیت‌هایی مانند داریوش شایگان و احسان نراقی پیگیری می‌شد. پس از انقلاب اسلامی نیز برجسته‌سازی گرایش‌های ملی و گسل‌های قومی مانند عرب، ترک، کرد، بلوچ،

۱. اسد حیدر، امام صادق علیه السلام و مذاهب چهارگانه، ص ۳۸۵.

۲. ر.ک به: «جنگ‌شناختی از قیام عاشورا تا انقلاب اسلامی ایران»، ۱۱/۰۴/۱۴۰۱؛ در:

ترکمن، لر و فارس که توسط دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی دنبال می‌شد، در همین رابطه است.

۲-۲. تحمیل گفتمان دلخواه بر افکار عمومی

یکی از محورهای جنگ شناختی که در امتداد انحراف پس از رحلت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در امت اسلامی رخ داد و توسط بنی‌امیه پیگیری شد، گفتمان خلافت برای جانشینی از پیامبر در مقابل گفتمان امامت بود. خلافت نزد اهل سنت، امری زمینی و بشری است و امام و خلیفه چیزی فراتر از یک حاکم و زمامدار عادی نیست که امر گزینش او به اختیار امت و نهاده شده است. سخنان بسیاری از عالمان اهل سنت بر این معنا گواهی می‌دهد؛^۱ برای مثال ابن‌خلدون حکومت را در زمره مصالح عامه می‌داند که به نظر امت واگذار شده است.^۲

یکی از موضوعات بسیار مهمی که به دنبال خلافت مطرح می‌شود، عدالت صحابه است؛ به گونه‌ای که اهمیت و حساسیت این بحث برای اهل سنت به مثابه بحث عصمت برای امامیه است. منظور از مفهوم عدالت در اینجا، آن ویژگی است که به فرد اهلیت لازم را می‌بخشد که به نقل حدیث بیردازد و روایت او مقبول افتد.^۳ بر این اساس بیشتر عالمان اهل سنت، عدالت جمیع صحابه را ثابت می‌دانند؛ از جمله ابن‌عبدالبرّ می‌گوید: «عدالت تمامی صحابه ثابت است»^۴ یا ابن‌جزری می‌نویسد: «تمامی صحابه عادل هستند و جرح در آنان راه نیابد».^۵ در حالی که پیروان مکتب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام معتقدند صحابه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر چند امتیاز و افتخار مصاحبت پیامبر را داشته‌اند و میان آنها شخصیت‌های والا مقام پیدا می‌شوند، از نظر عدالت همانند اشخاص دیگر، جمعی عادل و گروهی غیرعادل بودند.^۶

بنابراین با استناد به این تحریف که معیار و مهم‌ترین بنیان‌های دین اسلام سنت صحابه و خلفا و اجماع مسلمین است، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را باغی و خارجی معرفی کردند و اذهان جامعه

۱. محمدتقی فخلعی، مجموعه گفتمان‌های مذاهب اسلامی (دفتر اول)، گفتمان خلافت، ص ۸۱.

۲. ابن‌خلدون، المقدمة، ص ۸۱.

۳. محمدتقی فخلعی، مجموعه گفتمان‌های مذاهب اسلامی (دفتر اول)، مفهوم صحابی، ص ۲۴۹.

۴. یوسف بن عبدالله ابن‌عبدالبرّ، الاستیعاب، ج ۱، ص ۲.

۵. ابن حجر العسقلانی، الاصابة في تميز الصحابة، ج ۱، ص ۱۷.

۶. ناصر مکارم شیرازی، دایرة المعارف فقه مقارن - چگونگی حجیت تقریر معصوم عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۲۱۵.

واکنشی از خود نشان نداد. بنی‌امیه این اندیشه را با تبلیغات حيله‌گرانه و دروغ خود به مردم باورانده بودند که هر کسی علیه حاکم وقت گرچه شخصی مثل یزید خروج کند، کافر است و باید کشته شود؛ در واقع به نوعی سوءاستفاده از عنوان «اتّحاد امت» کردند. از جمله افرادی که به امام حسین علیه السلام چنین نسبت‌های ناروایی داد، نمایندگان عمرو بن سعید بن عاص (حاکم مکه) است؛ او به امام حسین علیه السلام زمانی که از مکه خارج می‌شد، گفت: «یا حسین، أ لا تتقی الله! تخرج من الجماعه، و تفرق بین هذه الامه؛^۱ آیا از خدا نمی‌ترسی که از جماعت مسلمین خارج شده و تفرقه بین امت ایجاد می‌کنی؟»

در انقلاب اسلامی نیز دشمن با جنگ‌شناختی به دنبال تحمیل گفتمان‌هایی است که جامعه اسلامی را از درون استحاله کند و به اهدافی که با راه‌اندازی انواع نبردهای سخت، ترور و آشوب‌های خشونت‌بار نرسیده است، با سوار شدن بر گفتمان‌های حاکم بر جامعه و همراه‌سازی درک و شناخت اجتماعی با خود بدان‌ها دست یابد. گفتمان‌هایی که بر اساس آن اندیشه، فکر و سپس برداشت‌های اجتماعی و در نتیجه اراده اجتماعی با نظم لیبرالی و پایه‌های اعتقادی آن هماهنگ و همراه شود؛ گفتمان‌های دموکراسی، حقوق بشر، اومانیزم، فمینیسم و توسعه در مجموع مکتبی را می‌سازند که انسان و جامعه انسانی را محصور در حیات مادی و بریده از آخرت و فضایل و کمالات روحی و معنوی تعریف می‌کند و در تقابل و تضاد صریح با اسلام و ارزش‌های متعالی انقلاب اسلامی است.

۲-۳. تحریف حقایق و مفاهیم

یکی از تلاش‌های بنی‌امیه برای بی‌اثر کردن رسالت نبوی، تحریف حقایق ناب اسلامی بود. خداوند می‌فرماید: «أَفَنظَمُونَ أَنْ يَوْمِنَا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ».^۲ یکی از آموزه‌های کلیدی اسلام، نگاه ابزاری به دنیا و امکانات آن برای کمال در جایگاه زمینه‌های مادی تعالی فردی و اجتماعی است؛ همان‌گونه

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، ج ۵، ص ۳۸۵.

۲. «آیا طمع دارید یهودیان به شما گرایش پیدا کنند؛ درحالی‌که گروهی از ایشان کلام خدا را می‌شنیدند و آن را تحریف می‌کردند با اینکه آن را می‌فهمیدند و خودشان می‌دانستند» (بقره: ۷۵).

که خداوند می‌فرماید: «یا قَوْمِ إِنَّمَا هِذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ»^۱. مفاهیمی چون زهد، انفاق، احسان و فضایل دیگر با نفی تعلق به دنیا و بذل آن برای کسب رضایت الهی معنا پیدا می‌کند که بنی‌امیه با تغییر این معرفت، دنیاطلبی، تجمل‌گرایی و تفاخر به دنیا را رواج دادند و در حکمرانی همچون سلاطین ایران و روم به بنای کاخ‌ها و عمارت‌ها و تجملات و تشریفات سلطنتی روی آوردند و مردم نیز به پیروی از حاکمان و بزرگان اقوام و قبایل و آلوده‌شدن بسیاری از صحابه پیامبر به زر و سیم و دنیا، دنیاطلبی و میل به حیات مادی آلوده شدند. در انقلاب اسلامی نیز دشمن بیرونی و دنباله آن در داخل که در پی استحاله انقلاب از ارزش‌های اسلامی بودند، با گسترش روح تجمل‌گرایی و آلوده‌شدن به ثروت و مکنت به تدریج روحیه انقلابی آنان تضعیف شد و به‌ناچار باید به مسیری بیندیشند و به دنبال آن باشند که زندگی دنیایی و پرنعمت و رفاه آنان همچنان تامین شود. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «دشمن امروزه دائم با مزدورپروری، با حرام‌خوارسازی و با لطایف‌الحیل افرادی را حرام‌خوار می‌کند؛ وقتی حرام‌خوار شد مثل حیوان جلال، دیگر خیلی مشکل می‌شود او را از حرام‌خواری دور کرد و مزدورپروری می‌کنند. بعضی‌ها را با تهدید بعضی‌ها را با تطمیع و انواع و اقسام این چیزها، بنابراین جنگ نرم سختی وجود دارد»^۲.

۲-۴. ترویج سکولاریزم و تکثرگرایی برای نابودی حقیقت ناب

بنی‌امیه به گونه‌ای مرموز دین و سیاست را از هم تفکیک کرد و خوانشی از این جدایی را انتخاب نمود که سیاست و حکومت همه چیز و دین ابزار و وسیله رسیدن آنان به قدرت شد. معاویه آشکارا اظهار کرد: «لا والله الا دفناً دفناً»^۳ و یزید در یاوه‌گویی مستانه‌اش به غرور گفت: «لَعَبْتُ هَاشِمًا بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيَ نَزَلَ»^۴. غرب نیز فلسفه حکومتی و قوانین اجتماعی خود را بر سکولاریزم قرار می‌دهد و نسخه آن را با ترویج مدرنیته برای همه بشریت تجویز و تحمیل می‌کند. سکولاریزم در غرب در جایگاه نوعی جهان‌بینی و مکتب مطرح است که در آن

۱. «ای قوم من، جز این نیست که این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است و بدون شک جهان آخرت سرای پایدار است» (غافر: ۳۹).

2. Farsi.ckamenei.ir 19/12/1400

۳. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۵، ص ۱۲۹.

۴. علی بن موسی سید بن طاووس، غم‌نامه کربلا: ترجمه‌اللهوف علی قتلی الطفوف، ج ۱، ص ۱۹۸.

اساس مرجعیت دین و اعتبار وحی و قوانین الهی در حیات انسانی و اجتماعی انکار می‌شود؛^۱ در حالی که امام حسین علیه السلام فلسفه قیام خود را احیا و اقامه دین، امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه اسلامی می‌داند: «اللهم انک تعلم انه لم یکن ماکان منا تنافساً فی سلطان و لا التماساً من فضول الحطام و لکن...»^۲ امام خمینی علیه السلام نیز انقلاب اسلامی را در ادامه همان مسیر می‌داند و مقصد انقلاب را همان مقصد انبیای الهی و مکتب اسلام،^۳ نظم عادلانه اجتماعی، اقامه احکام و شریعت، تربیت و تهذیب انسان‌ها تبیین می‌کند.^۴

جهان اسلام در دوران بنی‌امیه، شاهد تحولات گسترده‌ای در عرصه‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی بود. کثرت‌گرایی و فرقه‌سازی که در این دوران شکل گرفت، از جمله تحولاتی است که تأثیرهای عمیق و درازمدتی بر جامعه اسلامی گذاشت. مفهوم کثرت‌گرایی در این دوران به معنای پذیرش و حضور اندیشه‌ها و باورهای متفاوت مذهبی و فرهنگی در جامعه اسلامی بود.

حکومت بنی‌امیه با اتخاذ سیاست‌های خود به عمد یا غیرعمد، بستر ساز کثرت‌گرایی و فرقه‌سازی بود؛ از جمله این سیاست‌ها می‌توان به تبعیض نژادی و قومی، مخالفت با روحانیت شیعه و ترویج ایدئولوژی اموی اشاره کرد؛ از این رو فرقه‌هایی مانند معتزله و خوارج در این دوران با توجه به فضای سیاسی و مذهبی موجود پرورش یافتند.

پیامدهای کثرت‌گرایی و فرقه‌سازی به دوران بنی‌امیه محدود نماند و تأثیر آن تا قرن‌ها بعد در تاریخ اسلام باقی ماند. این پدیده‌ها نه تنها به نوعی جوامع اسلامی را شکل داد و هویت‌های متفاوت را پدید آورد، بلکه مبنایی برای بسیاری از بحث‌های فکری و کلامی در جهان اسلام نیز شد.

جهان مدرن نیز به اقتضای مبانی مقبولی چون اومانیسزم، لیبرالیسم و دموکراسی، بستر کثرت‌گرایی شد. کثرت‌گرایی (پلورالیسم) در واقع پذیرش همه عقاید و باورها در کنار هم و نفی برتری هیچ‌کدام از آنهاست و از اینجا ناشی می‌شود که حق مطلق وجود ندارد و هر عقیده و فکری برای خودش درست و حق است و اصولاً نمی‌توان از دریچه فکری دیگری حقانیت یا

۱. حسن واعظی، ایران و آمریکا، ص ۳۲۷.

۲. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۰.

۳. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۵۰؛ همو، حکومت اسلامی، ص ۷۰.

۴. سید روح‌الله موسوی خمینی، حکومت اسلامی، ص ۷۰.

عدم حقانیت عقیده را مورد قضاوت قرار داد. البته خیلی زود در اوایل قرن بیستم تضادهای بزرگ در جامعه غربی که سرچشمه آن عقاید فلسفی لیبرالیسم، فاشیسم، نازیسم و سوسیالیزم بود، آشکار شد و در نتیجه جنگ‌های خانمان‌سوز جهانی اول و دوم پدید آمد. چاره‌یابی تمدن مادی و تکثرگرایی غرب این بود که معیارهایی از حق را که مقبول همگان بود، به طور قراردادی توسط نهادهای بین‌المللی چون سازمان ملل متحد و شورای امنیت و نهادهایی مانند حقوق بشر و دیوان بین‌المللی دادگستری و انواع میثاق‌های بین‌المللی ایجاد کند. جوهر این کثرت‌گرایی، جنگ با ادیان الهی و دعوت پیامبران الهی است. وقتی خدا، پیامبران، وحی الهی و ائمه از صحنه اداره نظم جهان حذف شدند، فرقی ندارد که بنی‌امیه باشند یا نظم جهانی مادی و مدرن و هر کدام به‌هرحال به کثرت‌گرایی می‌رسند و نتیجه آن تنازع همیشگی بین مکاتب و فرقه‌ها و در نتیجه جوامع بشری و نیز دورشدن بشر از حقیقت ناب و هدایت الهی است که باید توسط پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام تحقق یابد.

کتاب‌نامه

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج‌البلاغه، محقق/ مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن حجر العسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابه، مکه: دار الباز، ۲۰۰۷ م.
۳. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، المقدمة، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۴. ابن‌طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
۵. ابن‌عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، لبنان: دارالجلیل، ۱۹۹۲ م.
۶. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف‌العقول، قم: بصیرتی، ۱۳۹۴ ق.
۷. حیدر، اسد، امام صادق و مذاهب چهارگانه، ترجمه: حسن یوسفی اشکوری، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹ ش.
۸. شریعتی، مهدی، بررسی مصادر و منابع فقه فریقین، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

وجوه تشابه جنگ شناختی در قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ■ ۴۱

۹. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۱۰. العاملی، جعفر مرتضی، تحلیلی از زندگانی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام، مترجم: محمد سپهری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. علیخانی، علی، امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده اطلاعات، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. فخلعی، محمد تقی، مجموعه گفتمان‌های مذاهب اسلامی (دفتر اول)، گفتمان خلافت، تهران: مشعر، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. ماه‌پیشانی، مهسا، جنگ نرم در فضای رسانه و سایبر، تهران: نشر اولیا، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، دایرةالمعارف فقه مقارن - چگونگی حجیت تقریر معصوم علیه السلام، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. _____، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۷. واعظی، حسن، ایران و آمریکا، تهران: سروش، ۱۳۷۹ ش.

سایت‌ها

1. <https://www.linkedin.com/pulse/cognitive-warfare-democracy-critical-analysis-ethical-holitschke-dleue>
2. <https://farsi.iranpress.com>
3. Farsi.ckamenei.ir 19/12/1400 .